

به نام ایزد یکتا

سرگذشت عقلانیت در قرون میانه ایران

تألیف:

رضا زمانی

انتشارات حروفچین

سرشناسه	روحانی، رضا، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	سرگذشت عقلانیت در قرون میانه ایران / تألیف رضا روحانی.
مشخصات نشر	اصفهان: حروفچین، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۲۶۰ ص: نمودار.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۹-۰۶-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	عقل گرایی -- تاریخ
موضوع	علوم طبیعی -- ایران -- تاریخ
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ ر ۹۰۴/۴ B۸۲۳
رده بندی دیویی	۱۴۹/۷
شماره کتابشناسی ملی	۲۴۶۴۹-۹

انتشارات حروفچین

سرگذشت عقلانیت در قرون میانه ایران

نویسنده: رضا روحانی

ناشر: حروفچین

صفحه آرای: نفیسه زنجانی زاده

چاپ اول: ۱۳۹۳

تیراژ: ۵۰۰ جلد

چاپ: پیشگام

قطع: وزیری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۹-۰۶-۹

((حق چاپ محفوظ است))

اصفهان: خیابان هشت بهشت، خیابان ملک شمالی

تلفن: ۰۹۱۶۲۹۱۶۱۷۹ - ۰۹۱۳۵۴۵۳۴۷۹

Horoufchin@yahoo.com

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۶
سختی یا آسان منابع اصلی	۱۲
بخش اول: نمای کلی از وضعیت علمی، فرهنگی ایران در قرون سوم تا پنجم هجری	۳۰
فصل اول: ایران در قرون دوم و سوم هجری	۴۰
فصل دوم: نوع ارزش‌ها و دیدگاه‌ها در ایران در قرون دوم تا پنجم هجری در رابطه با جهان هستی	۵۰
بخش دوم: چرخش جهان‌بینی ایران در قرون دوم تا پنجم هجری	۵۸
بخش سوم: بررسی تفصیلی علل و عوامل عتق‌گرایی و ارتباط علوم طبیعی در ایران	۶۶
فصل اول: ملاحظات درباره عتق‌گرایی ایرانیان مسلمان	۶۸
فصل دوم: دوگانگی بنیادین ایرانیان در نگرش به هستی و زندگی	۸۴
فصل سوم: ساختار سیاسی ایران و تاثیر آن بر عتق‌گرایی علمی طبیعی	۹۸
فصل چهارم: ساختار اقتصادی ایران و تاثیر آن بر روند عتق‌گرایی علوم طبیعی	۱۴۲
فصل پنجم: تصوف و صوفی‌گری و تاثیر آن بر روند عتق‌گرایی و عادم طبیعی	۱۶۶
فصل ششم: گرایش‌ها و نحله‌های مذهبی در ایران و تاثیر آن بر روند عتق‌گرایی علوم طبیعی	۲۱۰
نتیجه	۲۳۲
ضمائم	۲۳۹
خلاصه فارسی و انگلیسی	۲۴۰
فهرست منابع و مآخذ (فارسی و انگلیسی)	

مقدمه

یکی از مهمترین شاخصه های انسان که موجب تمایز او با دیگر موجودات شده است گوهر تابناک عقل می باشد. انسانها با مزین بودن به چنین گوهری، تفاوت بنیادین و ماهوی با سایر موجودات عالم امکان پیدا کرده و به صورت گونه ای منحصر بفرد در میان جمیع موجودات در آمده اند.

از نخستین روزهای پیدایش انسان بر کره خاکی، عقل آدمی مهمترین و اصلی ترین عامل در رهایی انسان از مصائب و حرکت او به سمت پیشرفت و ترقی بوده است.

ورزش و اعتبار عقل چندان صریح و روشن است که کمتر کسی در بادی امر جرأت می یابد تا با آن مغرض و دشمنی و اعتبار آنرا مورد تردید و انکار قرار دهد. لکن بررسی تاریخ زندگی انسان بیانگر آن است که این امر چندان هم غیر محتمل نیست و بسیار اتفاق افتاده است که در طول تاریخ، گوهر عقل به انگیزه ها و توجیهات گوناگون مورد بی مهری قرار گرفته درپاره ای مردمانی به هجمه های سخت واقع شده است.

در این پژوهش سر آن عزیزم، عقل را در زندگی ایرانیان مسلمان مورد بررسی و جستجو قرار دهیم و از سوی دیگر با بررسی تاریخ ایرانیان با این گوهر شریف و تبعات لاجرم آن در علوم و دانش های گوناگون بشناسیم.

ابتدا باید دید مراد ما از عقل کدامین عقل است و سپس با مشخص کردن تعریف دقیق آن، ردپای آنرا در قرون پنجم تا یازدهم هجری بازجوئیم و به چه جایگاهی در زندگی ایرانیان داشته است و ایشان تاچه حد به آن التفات نموده و بر آن به چه بستگی داشته اند. در این تحقیق مراد از عقل قوه ای است که قادر به فهم و کشف قوانین حاکم بر طبیعت می باشد. عقلی که پایه اصلی پرداختن به علوم همچون ریاضی، نجوم، معدن شناسی، فیزیک، پزشکی و ... است. طبیعی است که با چنین تعریفی از عقل دیگر نمی توان فلسفه هایی همچون فلاسفه اشراق و حکمت متعالیه و یا علومى مانند فقه و حدیث و غیره را در زمره نتایج عقل برآید.

چرا که در پی یافتن قانونی از قوانین جاریه طبیعت نیستند. از سوی دیگر بایستی این نکته را متذکر شویم که منظور از عقل در این پژوهش، عقلی است که از سیطره مکاتب، ادیان و بینش های خاص سیاسی، مذهبی آزاد است.

این تحقیق در پی یافتن این چنین عقل و تبعات چنین عقلی است. عقلی که بی هیچ وابستگی و ارتباطی با دین، مرام و یا مسلک خاصی، تنها بر خود تکیه می کند و به خود اعتبار می دهد نه عقل آمیخته با عرفان و لعاب یافته با اشراق و اصلاح شده با کتاب و سنت و متجلی در حکمت متعالیه.

ارزش و اعتبار والای حکمت صدرائی و عقل ملازم با شرع به جای خود، لکن این تحقیق به دنبال عقل بی پرده و عریان، بوالفضول و دنیوی و نهایتاً عقل این جهانی که مادر علوم است و آمده پیش های گوناگون می گردد و آن هم از ورای فرزندان خلف آن که علوم گوناگون به بیره علم طبیعی باشند چرا که بدین شکل قابل رؤیت، جستجو و کالبد شکافی است و با عیبی آشکار در مقابل چکش جستجو گری نرم می شود و خود را باز می شناساند عقلی که در نزد دانشمندان و هیئت‌مندان ایرانی در قرون مذکور (سوم تا پنجم هجری) وجود دارد، افرادی همچون ریاضی‌دانان، ابوعلی سینا، زکریای رازی، خوارزمی و... و از این رهگذر در پی یافتن اوج یا فروپاشی شکوفایی و انحطاط این عقل و علل و عوامل جمود و رکود و یا ترقی و پیشرفت این نوع عقل و علوم است.

نکته دیگری که بایستی در روش تاریخی مشخص شود، حدود و ثغور و جغرافیایی است که تاریخ در بستر آن مورد بررسی و کنکا و کاوش می گیرد. فلذا بایستی محدوده ای از کره خاکی را به عنوان مکان مورد بررسی در قلمرو مورد بحث و برای تحقیق مورد نظر مشخص کرد.

در این مورد پاسخ چنین است، در این تحقیق حدود و ثغور ایران به طور کاملاً دقیق مشخص نشده است. چرا که این کار عملاً هنگامی امکان دارد که محقق، حادثه ای را در دوره ای خاص مورد بررسی قرار دهد مثلاً نقش فلان حادثه را در ایران سال ۹ هجری قمری مورد پژوهش قرار دهد و یا فلان حادثه و علل و عوامل ایجاد کننده آنرا در نیمه دوم قرن سوم هجری بررسی کند لکن از آنجا که این تحقیق از نوع بررسی های روندی بوده و در امتدادی از تاریخ ایران از قرون دوم و سوم هجری تا حدود قرن سیزدهم را در بر می گیرد و چنانچه می دانیم در این مدت محدوده جغرافیائی ایران یا بطور دقیق مشخص نبوده و یا مدام دستخوش تغییر و تحول می شده است لذا این تعیین حدود به طور کاملاً دقیق ناممکن است.

ولیکن با همه این احوالات می توان محدوده تقریباً ثابتی را برای ایران در تمام دوران تاریخی مورد بحث در نظر گرفت محدوده ای که مهاجمان و سلسله های گوناگون حاکم بر ایران عمدتاً

در این محدوده حکمروانی کردند و بطور کلی و در نگرشی عام عنوان کلی ایران و ایرانیان به این منطقه جغرافیایی و لذا ساکنان این مناطق اطلاق می شد.

منطقه ای که از شمال به دریاچه خزر، از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان، از غرب به آسیای صغیر و از شرق به آسیای میانه و فرارود محدود می گردید و جالب است که تمامی حکومتهایی که بر این منطقه حکمروانی یافتند در بالاترین حدکشورگشائی های خود هرگز از این منطقه فراتر نرفتند یا نتوانستند بروند چنانکه در مورد مغولان چنین پیش آمد و این محدود یعنی حدود طبیعی ایران در داخل فلات ایران بود که از دیر باز مرکز اصلی سرزمین پارسیان و حکومتهای ایشان اعم از هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان بود.

البته این نکته نیز قابل ذکر است که در دوره مورد بحث بسیاری از حکومتهای ایرانی بویژه آنها که کمتر بینا بودند تنها بر بخشی از این جغرافیا حکم راندند لکن ارتباط این مناطق و پیوستگی فرهنگی و زبانی و مذهب مشترک این مردمان چنان بود که همه را در یک کل منسجم به یکدیگر پیوند داد و ایشان را بر انگاره اندامی واحد و متصل بهم بر می آورد.

خلاصه آنکه منظور از ایران در پژوهش محدوده ای است که ساکنان و بویژه اندیشمندان آن با زبان، دین، فرهنگ، جهان بینی و تاریخ مشترک و دیدگاهها و نگرشهای نوعاً از یک جنس (با اختلافات عرضی و نه جوهری) در آن می زیستند و تاریخ زمان خود را می ساختند.

به دنبال این مسئله بایستی به مسئله دیگری که ارتباط تنگاتنگ با مسئله پیشین دارد پرداخت و آن اینکه چه کسانی در این تحقیق تحت عنوان ایرانیان مورد بررسی قرار گرفته و دستاوردهای ایشان بعنوان ملاکی برای ارزیابی فراز و فرود علمی و فکری و فکری و تفکر مورد دقت قرار گرفته است؟

ممکن است ایراد شود ایران در پهنه زمانی ای که مورد بررسی این قلمرو است سه دوره های متفاوتی داشته است. ایران عصر سامانی به خراسان بزرگ و بخشی از طبرستان محدود می شد و ایران عصر سلجوقیان بخشی از آسیای صغیر را نیز در برمی گرفت و این همه یکسان نیست و نمی تواند مشمول حکم واحدی قرار گیرد.

در پاسخ می توان گفت با توجه به سیستماتیک بودن و ارتباط تنگاتنگ فرهنگ بشری که حکمت طبیعی و فلسفه نیز بخشی از آن است و با استناد به باز بودن این سیستم، مراد از

ایرانی و جهان ایرانی (بویژه در نگرش سیستمی به علوم و حکمت) سنت علمی خاص و ویژه و متمایز با دیگر سنت های علمی فرهنگ های دیگر جهان است که نام ایرانی بر آن نهاده و مورد بررسی قرار گرفته است.

«آنچه فارابی و خوارزمی را یک اندیشمند ایرانی قلمداد می کند سنتهای علمی است که آنان بدان تعلق دارند. نیز آنچه زکریای رازی را به عنوان اندیشمندی «پارسی» می شناساند تنها تعلق وی به سرزمین ایران نبوده است. رازی به عربی می نوشته، چنانکه بسیاری دیگر از متفکران آن عصر از این زبان بین المللی به عنوان نمادی برای بیان اندیشه هایشان استفاده می کرده اند. اما رازی را از آن رو یک دانشمند ایرانی می شناسیم که به رشته سنت هایی پویا و متحول که در آنها هویتی «ایرانی» منتسب توانیم ساخت متعلق بوده است.»^۱

یکی از بخش های مهم آنکه در این تحقیق بایستی مورد بررسی قرار گیرد و پیشرفت یا انحطاط عقل و حکمت طبیعی در ارتباط و معطوف به آن مورد توجه واقع شود ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی ایران و تأثیر آن بر روند مورد بحث است.

البته ناگفته پیداست که این امر در کنشی متقابل بر هم داشته و از همدیگر متأثر می شده اند لکن در دوره مورد بحث و با توجه به خصوصیات خاصه های غالب بر زندگی آدمیان این ساختارها بیشتر مؤثر بوده اند تا متأثر. برای مثال می توان نقش تهاجمات گوناگون که در این دوران به ایران شده است را مورد مطالعه قرار داد و انعکاس آنها در عالم فلسفه و دانش جستجو کرد.

بایستی به فضای موجود در حکومت های ایران درون مورد بحث نزدیک شد تا دریافت در این فضا عملاً چقدر امکان رشد و تعالی حکمت و اساس بنیادین وجود داشته است؟

آیا فروپاشی نظامات سیاسی در اثر تهاجمات بیگانگان و جنگی علوم و اقتصاد و جامعه و به هم ریختن نظامات فرهنگی و اجتماعی و قتل عام مردمان و خرابی شهرها و اموات و ... تأثیری بر روند عقل گرایی و علوم طبیعی داشته و آیا این تأثیر در جهت مثبت بوده است یا منفی؟

و نیز از نو رونق یافتن این علوم در اثر کدامین عوامل بوده است؟

۱- مهدی فرشاد، تاریخ علم در ایران (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵، چاپ اول)، ج ۱، ص ۱۶

نقش خود حکومتها و امارت های مختلف در این روند به چه شکلی بوده است؟ آیا حکومتهای متمرکز، قدرتمند و مستبد و شاهان استبداد پیشه حامی و مدافع و مشوق تفکر آزاد، اندیشه ورزی و دانش پژوهی بوده اند یا سد و مانع آن؟

آیا می توان این فرضیه را مطرح ساخت که حکومتهای ایرانی قرون مورد بحث هر چه مقتدرتر و گسترده تر می شدند بیشتر آزاداندیشی و تعقل و تفکر آزاد را مهار می زدند و آنرا به چهار میخ می کشیدند و حکومت استبداد و خفقان را بیش از پیش برقرار می کردند؟

همچنین باید اعتقادات جامعه و عامه مردم را مورد بررسی قرار داد و بدین نکته پی برد که اعتقاد عمومی از کدام آبشخور و تحت تأثیر کدام دیدگاه و مشرب مذهبی بوده است؟

معتزله یا اشاعره؟ علما، فقها و یا صوفیه؟ که هر کدام غالب باشد تفاوت از زمین تا آسمان است چرا که در دوره های مختلف وقتی در بین عامه رواج یافت و شایع شد تبدیل به اعتقادات متصلب و غیر قابل انعطاف می شود که عدول از آن کفر و الحاد تلقی می شود و بدایه حال پادشاه (آری حتی پادشاه و امیر متفکر فیلسوف و اندیشمندی که به این اعتقادات پی اعتقاد باشد که اولی حکومت خود را از دست می دهد و دیگران جان و مال و عرض و ناموس خود را بر باد و بر واضح است که در چنین جامعه ای اختناق حاکم می شود و ریا و نفاق لباس مصلحت می پوشد و تعقل زنده در گور می میرد و بساط تقلید و تکرار و ... گسترده می شود.

باری، باید در این خصوص اوراق تاریخ و بدقت ورق زد و ردپای دانشمندان، فرهیختگان و عقلای ایرانی را در روزگاران مورد بحث بدقت کاوید، مشخص شود در هر دوره ای از تاریخ دراز ایران زمین بر سر علوم و فلسفه چه آمد و چه مسئله ای با علما و فلاسفه انجام گرفت و از این طریق روند عقل گرایی و حکمت طبیعی را بازبینی کرد.

چنین به نظر می رسد که مجموعه عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... دست به دست هم دادند تا از میانه قرن پنجم هجری به بعد چراغ علم و دانش فلسفه و حکمت طبیعی در ایران روی به خاموشی نهد و در محاق فراموشی قرار گیرد. لکن نباید زور کم در ابتدا گفته شد بایستی این امر را با استناد به حقایق تاریخی و واقعیت های رخ داده در مومن نهاد و پس از آن به مسئله ای مهم تر پرداخت و آن اینکه چه عواملی باعث چنین رخدادی شد و یا این رخداد را تسهیل و تسریع کرد؟ و از این رهگذر و با چنین نگرشی است که تحقیق و اساساً علم تاریخ مفید و سودمند تلقی شده و ارزش می یابد چرا که عواملی را بررسی می کند که به

صورت قوانین تقریباً ثابت عمل کرده و در هر دوره ای از تاریخ با شدت و ضعف، حوادث تقریباً یکسان و مشابهی را می آفریند.

بر ماست که این عوامل را که به زعم ما منجر به انحطاط عقل گرایی و علوم و حکمت طبیعی بود باز شناسیم و در حد توان از حادث شدن آن شرایط و ایجاد آن عوامل بگریزیم تا دیگر بار بدان دچار نشویم و یا اگر همچنان در همان شرایط و در حال استیلا و تسلط همان عوامل بسر می بریم و آن را گاهی جبر مقدر تاریخی خود فرض می کنیم با شناخت دقیق آن از جبر درآئیم و اگر دست داد طرحی نو در اندازیم چرا که رهایی از آفت میسر نیست مگر شناخت دقیق و عمیق آفت که به گفته مولانا جلال الدین بلخی آفتی نبود پتر از ناشناخت. در یازمین فصل از متن اساس از ناشر محترم و تمامی کسانی که درآماده شدن این مجموعه بنده را مشمول لطف و عناایت خود قرار دادند و با سپاس ویژه از سرکار خانم نرگس هوایی که بدون همکاری ایشان صورت نداشت نهائی این اثر میسر نمیشد و با اذعان به نواقص و کاستی هایی که عمدتاً تا بدلیل بی دانستی بنده در این مجموعه راه یافته است از خوانندگان محترم و فرهیخته تمنا میکنم با راهنماییهای ارزنده خود مولف را در تصحیح و ویرایش این اثر و نیز تکامل آثار بعدی مرتبط با آن یاری فرمایند.

رضا روحانی - پاییز ۹۲